شهرآرا

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول: سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
- نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان

روزنامه شهر امید و زندگی
SHAHRARANEWS.IR
اشنبه
۱۲ ۰۵ ۹۹
۳۶ صفحه؛ ۱۲ صفحه+۴ صفحه ورزشی +۴ صفحه خراسانیات+۱۶ صفحه شهرآرا محله
شماره ۳۱۶۷ | ۱۰۰۰ تومان
میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای
Photoshahr.ir

رطوبت هوا ۱۹٪

۲۰° ↓	۳۷° ↑
صبح ۲۲°	ظهر ۳۰°
عصر ۳۴°	شب ۲۷°

- اذان ظهر ۱۲:۳۸
- غروب آفتاب ۱۹:۳۶
- اذان مغرب ۱۹:۵۶
- نیمه شب شرعی ۲۳:۴۹
- اذان صبح فردا ۴:۰۳
- طلوع آفتاب فردا ۵:۴۰

حدیث روز

شخص ستمکار و کمک‌کننده بر ظلم و آن که راضی به ظلم است، هر سه با هم شریک‌اند.

امام علی(ع)

کاریکاتور

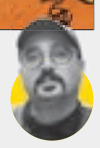

تولید خودرو ارزان در شرایط کنونی امکان پذیر نیست

علیرضا پاکدل

خبر روز

پیشرو راه آینده سینما

خسرو سینایی، کارگردان شاخص سینمای ایران در سن ۸۰ سالگی قربانی کرونا شد

«بشر از مدت‌ها پیش فراموش کرده بود که جزئی از طبیعت است، باید حرمت آن را حفظ کند. حالا همه آدم‌ها به فکر فرو رفته‌اند که بعد از چه خواهد شد و امیدوارم که بعد به فکر اصلاح بسیاری از مسائل بیفتند.» این جملات را خسرو سینایی، کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس برجسته کشورمان چند وقت قبل درباره ویروس کرونا گفته است؛ درست قبل از اینکه این ویروس گریبان خودش را هم بگیرد و جامعه هنری را با خبر فوتش شوکه کند. خیلی‌ها او را با فیلم سینمایی «عروس آتش» می‌شناسند؛ اثری درخور تأمل و تأثیرگذار درباره مشکلات زنان در جوامع سنتی که سال ۱۳۷۸ ساخته شد؛ داستان دختری از عشایر جنوب ایران که دانشجوی رشته پزشکی و دلبسته استاد جوانش شده است، اما باید با پسرعموی بی‌سواد و ماهیگیرش ازدواج کند. عروس آتش در زمان اکران نظر مخاطبان را به خود جلب کرد و جوایز متعددی گرفت؛ از جمله جایزه بهترین فیلم نامه هجدهمین جشنواره فیلم فجر، بهترین فیلم چهارمین جشن سینمای ایران و جایزه‌ای در جشنواره بین‌المللی فیلم کارلووی‌واری. البته کارنامه سینایی از آثار خوب سینمایی، کوتاه و مستند پر است. او در ۷۹ سال عمرش که بیش از نیم قرن آن را به کار سینما اختصاص داده است، بیش از ۱۲۰ اثر ساخته که همگی حاصل دغدغه و جهان‌بینی کم‌نظیر اوست؛ «اگر نتوانم موضوعی را باور کنم، آن را نمی‌سازم. نسل من تنها نسلی است که قبل و بعد از انقلاب را آگاهانه تجربه کرده است.»

«جزیره رنگین»، «کویر خون»، «مثل یک قصه»، «گفت‌وگو با سایه»، «مرثیه گم‌شده» و «هیولای درون» برخی آثار این فیلم‌ساز هستند. شاید دلیل اینکه اسم او کمتر به گوش مخاطبان عام سینما خورده است، علاقه و فعالیتش در حوزه مستند باشد؛ حوزه‌ای که اگر چه مهجور است، ولی مورد علاقه سینایی بود. او اکثر آثارش را بر پایه واقعیت‌های اجتماعی استوار می‌کرد و در عین حال از ظرفیت‌های داستانی هم غافل نبود؛ «من به این نتیجه رسیده‌ام که وقتی از مستند حرف می‌زنی، بیننده و مخاطب را محدود می‌کنی، اما وقتی پیرنگی از داستان به آن می‌زنی، مردم آن را دنبال کرده و با فیلم ارتباط بهتری برقرار می‌کنند؛ به نظر من، مستند داستانی، راه آینده سینماست.»

مضامین مستمر

از "کویترون" تا "وزارت درد"

حسین لعل‌پذری
داستان‌نویس

اغلب ما حداقل یکی دوبار گذارمان به دندان‌پزشکی افتاده است، یا برای ترمیم و کشیدن دندان یا احتمالا برای جرم‌گیری. دندان‌پزشک‌ها یک وسیله جرم‌گیری دارند که اسم علمی‌اش کویترون (cavitron) است. کار این دستگاه که یک قلم ظریف روی آن نصب شده، ایجاد ارتعاشی در محدوده فرکانس ۲۵ تا ۳۰ کیلوهرتز است تا به‌واسطه امواج مافوق صوت، جرم دندان شکسته و خارج شود. مشابه این کار را دستگاه سنگ‌شکن کلیه هم می‌کند. یک روز هادی، رفیق نویسنده‌ام، زنگ زد که: «می‌تونی بیای که با هم بریم تا دکتر؟» من نگران شدم و سریع خودم را رساندم خانه او. خب هادی قلبش مریض بود و سیگار زیاد می‌کشید و هر خبری از این دست موجب نگرانی می‌شد. وقتی رسیدم دیدم هادی آرام و بی‌خیال روی مبل نشسته و همان‌طور که دارد سیگار دود می‌کند، کتابی را گرفته جلو صورتش و می‌خواند؛ کتاب «وزارت درد» نوشته «دوبراکا اوگرشیچ» نویسنده کُروات ساکن هلند بود درباره تجزیه یوگسلاوی. گفتم: خوبی هادی؟ سرش را تکان داد. هروقت سرش را تکان می‌دهد آدم نمی‌فهمد دارد تأیید می‌کند یا نه. اشاره کرد بنشینم. ظاهرش نشان نمی‌داد حال جسمی‌اش وخیم باشد اما من او را خوب می‌شناختم؛ وقت‌هایی که کم حرف می‌زند یعنی چیزی از درون اذیتش می‌کند. باید صبر کنم تا خودش به حرف بیاید. رفتم از قوری همیشه گرم روی اجاق گاز دو تا چایی ریختم و آمدم نشستم کنارش. کتاب را گذاشت روی میز و لیوان چای را برداشت. گفت: «این رو خوندی؟» گفتم نه. بین چای خوردن دوباره پک عمیقی زد به سیگار. گفت:

- درباره فروپاشی امید است، درباره ناامیدی از درمان زخم‌ها و التیام دردها.... بعد حرفش را نصفه رها کرد و بلند شد. گفت: بیا بریم تا دندون‌پزشکی. می‌خوام جرم دندون‌هام رو بگیرم.

با خودم گفتم مردِ گُنده من را توی این گرما کشانده که با هم برویم برای جرم‌گیری. خب این که ترس ندارد، خودت می‌رفتی. ولی وقتی رسیدیم مطب دکتر و کار جرم‌گیری تمام شد، هادی اشاره کرد به دستگاه کویترون و گفت:

-دکتر! این با امواج فراصوت کار می‌کنه؟ درسته؟

دکتر گفت: بله، شما از کجا می‌دونی؟

هادی رو به دکتر کرد که: به نظرت مشابه همچین دستگاه، چیزی هست که بندازی توی کاسه سر، هر چی درد و غم و اندوه هست بتراشه و بریزه بیرون؟ آن‌وقت بود که فهمیدم جرم‌گیری و این چیزها بهانه بوده؛ بهانه‌ای که به‌واسطه‌اش از یک درد عمیق و جان‌فرسا حرف بزند. موقع برگشت توی ماشین باز سیگارش را روشن کرد. گفتم: نکِش! مگه نشنیدی دکتر گفت دندونات رو داغون می‌کنه؟ گفت: مهم نیست.

گفتم: خب برای قلبت هم خوب نیست، برای ریه‌ات.

گفت: رانندگی‌ات رو بکن! این قدر نصیحت نکن. بعد انگار با خودش حرف بزند، شروع کرد به گلایه: این زندگیه ما داریم الان؟ فکر می‌کردم یک پُخی می‌شم که کتاب‌هام تغییر بزرگی در جهان به وجود می‌آره....

گفتم: استاد! شما که کتابت به فرانسه ترجمه شده.

حرفم را نشنیده گرفت، صحبت خودش را ادامه داد؛ «کاش به‌جای نوشتن می‌رفتم توی کارساخت این دستگاه‌های فراصوت.»

یک‌دفعه چشم‌هاش برق زد. رو کرد به من، گفت: فکرش رو بکن، مثلا می‌شد محدوده فرکانس رو از ۳۰ برد به ۴۵ کیلوهرتز که وقتی اون قلمِ هَندپیس رو به بصل‌النخاع نزدیک می‌کنی، بشه بدون ورود به مخچه، همه ضایعات دردناک مغز رو بتراشه و از مجاری ادراری بده بیرون.... استادِ فانتزی‌های این‌طوری است هادی! گفتم: آقاجان! شما اگه روی کلماتت تمرکز کنی و به بهترین شکل خلق کنی، کار همون قلمِ ارتعاشی رو برای آدم‌ها می‌کنه، ادبیات مرهمِ جان‌های... نگذاشت حرفم را تمام کنم. گفت: بس کن این مزخرفات رو بابا! همچین می‌گی ادبیات، انگار الان کتابای ما صد هزارتا تیراژ داره. سیصدتا... سیصدتا؛ شرم‌آور نیست؟ با سیصدتا مرهم این همه جان و تنِ خسته باشیم؟ چیزی نگفتم. کمی بعدتر گفت نگه دار. گفتم: مگه نمی‌خوای بری خونه؟ خب می‌برمت. گفت: نه! می‌خوام یه کم پیاده‌روی کنم، می‌خوام به طرح ساخت یک دستگاه فراصوت فکر کنم که بشه سنگ‌های توی کاسه سر رو خرد کنه.

ترجمان

شوالیه از قطار سریع‌السیر نیمه‌شب پایین پرید

آلن پارکر، خالق فیلم شاخص «می‌سی‌سی‌پی می‌سوزد» درگذشت

مترجم: هدی جاودانی
h.javdani@shahraranews.ir

اگر کسی لقب شوالیه‌ای را که دربار بریتانیا، به‌خاطر یک عمر دستاوردهای هنری به او اهدا کرده بود، به رسمیت نمی‌شناخت، دلخور می‌شد و متنفر بود از اینکه نامه‌هایش با «آقای پارکر عزیز» شروع بشوند. سر آلن ویلیام پارکر (۱۹۴۴-۲۰۲۰)، مشهور به آلن پارکر، نویسنده و کارگردان خوش‌سابقه بریتانیایی، خالق «قطار سریع‌السیر نیمه‌شب» (۱۹۷۸) و «می‌سی‌سی‌پی می‌سوزد» (۱۹۸۸) روز جمعه درگذشت. گستره متنوع آثار پارکر- «باگزی مالون» (۱۹۷۶)، اویتا (۱۹۹۶)، خاکسترهای آنجلا (۱۹۹۹)- به او ماهیتی پیش‌بینی‌ناپذیر و منحصربه‌فرد در سینما بخشیده بود. همچنین، علاقه‌اش به موسیقی، به درون‌مایه بسیاری از آثارش- «دیوار پینک فلوید» (۱۹۸۲)، «شهرت» (۱۹۸۰)- آمیخته و از او چهره‌ای محبوب ساخته بود.

آلن پارکر بیش از آنکه دل منتقدانش را به‌دست بیاورد، به رضایت مردم و کشاندن آن‌ها به سالن‌های سینما اهمیت می‌داد، اگرچه بسیاری از منتقدانش نیز، او را از انگشت‌شمار چهره‌های معتبر هالیوود می‌دانستند. فیلم‌های پارکر، روی‌هم‌رفته بیش از ۵۰ بار نامزد و برنده جوایزی چون «اسکار» و «بفتا» شده است، اما جایزه گرفتن چندان امر خوشایندی برایش به‌نظر نمی‌آمد. او در مصاحبه‌اش با بی. اف. آی، در سال ۲۰۰۳ می‌گوید که «جایزه‌ها بوی تعفن می‌دهند، مخصوصا زمانی که دیگران آن را می‌برند و تو نمی‌بری. چیزی که من را خیلی اذیت می‌کند، این است که جوایزی مثل اسکار و بفتا درنهایت از ۱۰ فیلم تقدیر می‌کنند و خیلی هم به این کارشان افتخار می‌کنند و میلیون‌ها نفر نیز، سراسر دنیا فکر می‌کنند که سینمای آمریکا همین است، که خب واقعیت چیز دیگری است. این فیلم‌ها، احتمالا یک درصد از همه فیلم‌هایی است که در آمریکا تولید می‌شوند. استودیوهای فیلم‌سازی هر سال سعی می‌کنند حداقل یک فیلم با استانداردهای آکادمی بسازند و به نظر من این ماجرا خیلی غم‌انگیز است؛ این واقعیت که کمپانی‌های فیلم‌سازی تا این حد دغدغه این جوایز را دارند.»

پارکر با تکنولوژی چندان ارتباط برقرار نمی‌کرد و عقیده داشت که با ورود فیلم‌سازی به عصر دیجیتال، استقلال کارگردان زیر سؤال رفته و فناوری‌های جدید به دخالت مستقیم در کار کارگردان منجر شده است. او در مصاحبه‌اش با گاردین، در سال ۲۰۱۷، مطرح می‌کند که از دوران تهیه‌کننده و کارگردان گذر کرده‌ایم و حالا در عصر استودیوها قرار گرفته‌ایم: «فیلم‌های شاهکار همگی روی فیلم‌های سلولوئید ساخته می‌شدند، زمانی که هنوز استودیوها نمی‌توانستند در فرایند فیلم‌سازی دخالت کنند، با صراحت می‌گویم، نمی‌توانستند که دخالت کنند؛ چون روند ساخت فیلم سنگین و طاقت‌فرسا بود. حالا سهولت تدوین‌های دیجیتال اجازه می‌دهد که استودیوها و تهیه‌کننده‌ها اهداف کارگردان را نادیده بگیرند.»

اما اوشکست احتمالی برخی فیلم‌هایش را خود به گردن می‌گرفت و بر این باور بود که فیلم‌هایش آن‌طور که خودش می‌خواهد به پایان می‌رسند: «من استودیوهای فیلم‌سازی یا هیچ کس دیگری را سرزنش نمی‌کنم. چون مسئولیت کارم، تمام‌وکمال برعهده خودم بوده است. حتی اگر در فضای دشواری مثل هالیوود فیلم‌هایم را ساخته باشم. هیچ کس در روند ساخت آثارم دخالت نکرده است، بنابراین اگر فیلم‌هایم مورد پسند واقع نشدند، فقط تقصیر خود من است.»

پارکر باور داشت که با فیلم‌هایش می‌تواند بر ذهن مردم تأثیر بگذارد و از فرصتی که سینما در اختیارش قرار می‌داد، نهایت استفاده را می‌برد: «من فقط ۲ ساعت فرصت دارم تا با مخاطبی که به تماشای فیلمم نشسته است، درباره زاویه‌دید مدنظرم حرف بزنم. بنابراین، تمام کاری که از دستم برمی‌آید، این است که ذهن مخاطبم را درگیر کنم. و خوشبختانه مردم پس از تماشای فیلم‌هایم، درباره آن‌ها حرف می‌زنند و این همه چیزی است که من می‌خواهم.»

یادمان

فراهانی شاعر آزادی و ادب

ادیب‌الممالک فراهانی نویسنده، ادیب، فعال سیاسی و روزنامه‌نگاری آزادی‌خواه محسوب می‌شود که شعر را بیشتر وسیله‌ای برای بیدارکردن مصیبت‌زدگان خواب‌گرفته و زمام‌داران زیاده‌طلب و غالبا فاسد قرار داد و خود و توانمندی‌های فکری و هنری‌اش را وقف مبارزه با دریدن پرده‌های جهل و بی‌خبری مردم کرد. شاعران ایرانی در سده دوازدهم قمری، بنیان‌گذاران مکتبی در ادبیات فارسی بودند که مکتب «دوره بازگشت ادبی» نام گرفت و ویژگی بارز آن، پیروی از سنت‌های شعری استادان قدیم بود و ادیب‌الممالک فراهانی را باید یکی از آخرین شاگردان این دبستان شمرد؛ شاعری که اصولا پای در مرکز ادب سنتی فارسی و معارف اسلامی داشت و تا پایان عمر، محور اصلی فعالیت‌هایش، سنت‌های دیرین شعر و ادب این زبان باقی ماند اما این مانع از نوگرایی و تنوع جویی‌اش، چه در زمینه‌های ادبی و چه در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، نبود و آنچه نسل او از گذشته به میراث گرفته بودند، نیک آموخت و ذهن جست‌وجوگرش در پی حوزه‌های جدیدی از فعالیت‌های فکری نیز بود، منتهی شاید دورانی که در آن می‌زیست، اجازه نوجویی بیشتر را به او نمی‌داد.

میرزا محمدصادق ادیب‌الممالک، پسر حسین‌بن‌صادق بن معصوم بن میرزاعیسی قائم‌مقام فراهانی، ملقب به امیرالشعرا و سپس ادیب‌الممالک بود. وی ۱۴ محرم ۱۲۷۷ قمری در روستای گازران از بلوک شرا از توابع سلطان‌آباد (اراک کنونی) در خانواده‌ای ادب‌پرور چشم به جهان گشود.

هنگامی که نهضت آزادی‌خواهان ایرانی، ضد استبداد قاجار پا گرفت و مردم طالب استقرار نظام دموکراسی بودند، نوشته‌های ادیب‌الممالک در پیشبرد سطح آگاهی آنان از حقوق سیاسی و اجتماعی خود و تهییج آن‌ها به ایستادگی در برابر فشارها و تهدیدات زمام‌داران اثری بسزا داشت. وی از نخستین افرادی بود که با تأسیس روزنامه ادب رسما پای به عالم مطبوعات گذاشت و کمابیش تا پایان عمر، کار روزنامه‌نویسی را همراه با شاعری دنبال کرد. او ۲ سال پس از آنکه در ذی‌قعده ۱۳۱۴ قمری با امیرنظام گروسی به تبریز برود، اقدام به تأسیس روزنامه‌ای کرد که نخست با عنوان «جریده ادب» و پس از چندی فقط با نام «ادب»، ۳ دوره مختلف را پشت سر گذاشت. در محرم ۱۳۲۱ قمری که ندیم‌السلطان، وزیر انطباعات، روزنامه «ایران سلطانی» را به‌جای روزنامه «ایران» تأسیس کرد، ادیب‌الممالک به سردبیری آن برگزیده شد و تا اواخر ۱۳۲۲ قمری با این نشریه همکاری کرد. همچنین به‌دنبال تأسیس مجلس شورای ملی در ۱۳۲۴ قمری که روزنامه مجلس به مدیریت محمدصادق طباطبایی در تهران دایر شد، سردبیری آن را به ادیب‌الممالک سپردند. ادیب پس از ۷ ماه سردبیری روزنامه مجلس در جمادی‌الاول ۱۳۲۵ قمری، به تأسیس روزنامه «عراق عجم» در تهران مبادرت کرد.

ادیب‌الممالک از میان انواع قالب‌های شعر، بیش از همه به قصیده و قطعه تمایل نشان می‌داد. از قضا این ۲ قالب شعری در دوره دوم شاعری ادیب نیز که تحولی نسبی در مضامین شعری او رخ داد، بیش از دیگر گونه‌ها به کار او آمد. از او بیش از ۲۶ غزل و تغزل برجای نمانده و این در کنار حدود ۱۳۲ قصیده و ۳۰۰ قطعه وی، رقمی اندک است. درواقع، بخش اعظم اشعار ادیب را حدود ۷ هزار بیت در شکل قصیده و بالغ بر ۳ هزار بیت به‌صورت قطعه تشکیل می‌دهد. این شاعر و روزنامه‌نگار آزادی‌خواه سرانجام در یزد به سکته ناقص دچار شد و ناگزیر به تهران مراجعت کرد. پنجاه‌وهشت‌ساله بود که در ۱۳۳۶ قمری در پایتخت چشم از جهان فروبست و در آستانه حضرت عبدالعظیم در حجره میرزا ابوالحسن‌خان قائم‌مقامی به خاک سپرده شد. / ایرنا

نگاه هشتم

سخن رهبر انقلاب رسم‌الخط مراسم محرم

غلامرضا بنی‌اسدی | روزنامه‌نگار

داشت یک فضایی شکل می‌گرفت که می‌توانست عمق پیدا کند و به یک شکاف تبدیل شود در جامعه. زمزمه‌هایش هم بلندوبلندتر می‌شد. خطرناک بود این شکاف. خطرناک‌تر از هر فاصله‌ای، حتی پرخطرتر از شکاف طبقاتی. داشتیم به شکاف احساسی و حتی معرفتی می‌رسیدیم در ماجرای محرم و قضیه برگزاری مجالس سوگواری. برگزار کردن مجالس در روزگار شیوع کرونا به تهدیدی برای سلامت تبدیل می‌شد و برگزار نشدن مجالس هم به نوعی دیگر آزارمان می‌داد و برخی افراد می‌پنداشتند برگزاری مجالس در این شرایط اوجب واجبات است و مثل زدن به خط است. برخی را باور شده بود که این یعنی زنده نگهداشتن عاشورا و برگزار نشدن عزاداری‌های جمعی و بزرگ هم یعنی چشم‌بستن بر عاشورا. اما رهبر انقلاب، به زیبایی راه را بر این دوگانه‌سازی ناصواب بستند و زیستن به قاعده ایمان را به صریح‌ترین کلمات برایمان بیان فرمودند: «در عزاداری‌ها معیار آن چیزی است که کارشناسان بهداشت و ستاد ملی مقابله با کرونا می‌گویند. بنده شخصا هر آنچه که آنان بگویند را رعایت می‌کنم و توصیه من به همه هیئت‌داران و منبری‌ها این است که به سخنان کادر بهداشتی گوش کنند، کرونا مسئله کوچکی نیست و اگر همین رعایت‌ها هم انجام نشود آن وقت ممکن است به فاجعه‌ای ختم شود که آن سرش ناپیدا باشد.» و تمام شد، ان‌شاءا...، فضایی که می‌توانست ذهن مردمان را برآشوبد و با دوگانه‌سازی سلامت یا سعادت، به چالشی تازه برای جامعه تبدیل شود. حالا همه یک رسم‌الخط روشن داریم. همان که حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای فرمودند؛ معیار قرار دادن آنچه کارشناسان ستاد ملی مقابله با کرونا می‌گویند. قطعا آنان هم از خود ما هستند و دلشان به عشق سیدالشهدا(ع) می‌تپد. براساس آموزه‌های حسینی هم هست که به دفاع از سلامت حسینی باوران همت می‌کنند و تا مرز شهادت می‌روند.

خطبه نور

غدیر به روایت «احتجاج» طبرسی

توحید و خداشناسی

سپاس و ستایش مخصوص خداوندی است که در یگانگی‌اش بلندمرتبه است و در عین یکتایی‌اش به همه چیز نزدیک است. خدایی که در سلطنتش عظیم و باجلالت و ارکانش بزرگ و باعظمت است... او خدایی است که رحمتش را بر همه چیز گسترده، و با نعمت‌هایش بر آن‌ها منّت نهاده است. در مجازات گناهکاران عجله نمی‌کند و در عذابی که سزاوار آن هستند، شتاب نمی‌نماید.

از پوشیده‌ها باخبر و از پنهانی‌ها آگاه است. نهان‌ها از او مخفی نمی‌ماند و پوشیده‌ها برایش مشتَبَه نمی‌گردد.

خداوند، برتر از آن است که چشم‌ها او را ببینند ولی او چشم‌ها را درمی‌یابد. در فکر و خیال نمی‌گنجد. او به همه چیز آگاه است. هیچ کس نمی‌تواند او را ببیند و توصیف کند و کسی به چیزی از صفات پنهان و آشکار او دست نمی‌یابد، مگر آن مقدار که خدای عزوجل، خود به او بشناساند. شهادت می‌دهم او خدایی است که قداست و پاکی‌اش تمام روزگار را پر کرده است؛ خدایی که نورش ابدیت را فراگرفته؛ خدایی که دستورش را بدون مشورت با کسی اجرا می‌کند و در تقدیر امورش شریکی ندارد و در اداره کارها دچار اختلاف نمی‌شود. او همان خدایی است که هیچ معبودی جز او نیست. ساختنش استوار و ساخته‌هایش نیکوست. او همان عادلی است که ظلم نمی‌کند و همان بخشنده‌ای است که همه چیز به سویش بازمی‌گردد.

شهادت می‌دهم او خدایی است که همه چیز در برابر قدرتش تواضع کرده و در برابر هیبتش خضوع نموده است. او فرمانروای مُلک‌ها است. کهکشان‌ها را می‌گرداند، خورشید و ماه در دست قدرت او یند و همگی تا زمانی معین به حرکت خود ادامه می‌دهند. او شب را در دل روز و روز را در دل شب می‌پوشاند و شب و روز، به سرعت به‌دنبال یکدیگر در حرکت‌اند. هر زورگوی ستیزه‌جو را درهم می‌شکند و هر شیطان سرکشی را هلاک می‌کند. او آن کسی است که بر همه مخلوقاتش حق دارد که او را شکر و ثناء گویند. او را در خوشی و ناخوشی و در گرفتاری و آسایش، سپاس و ستایش می‌گویم.

به او و فرشتگانش و به کتاب‌های آسمانی و پیامبرانش ایمان دارم. گوش به فرمان او هستم و از آن اطاعت می‌کنم. به سوی هر آنچه او می‌پسندد شتاب می‌کنم و در برابر قضای الهی تسلیم هستم؛ چرا که به اطاعت او مشتاقم و از عذابش ترسانم.

زیرا او خدایی است که کسی از تدبیرش در امان نیست و هیچ کس نمی‌ترسد که از طرف او مورد ظلم و ستم قرار گیرد. در برابر خدا به بندگی خود اقرار می‌کنم و به پروردگاری او گواهی می‌دهم.

علمی

کاهش تشنج با موسیقی موتسارت

ScienceDaily

نتایج یک مطالعه بالینی نشان می‌دهد که گوش دادن روزانه به موسیقی موتسارت دفعات تشنج را در بیماران مبتلا به صرع کاهش می‌دهد و می‌تواند یک گزینه درمانی مکمل برای کاهش دفعات تشنج در این افراد باشد. در این مطالعه که به کمک دکتر مرجان رفیعی از موسسه مغز «کرمبیل» در کانادا انجام شد، اثر موسیقی «Sonata for Two Pianos in D Major, K.448» موتسارت بر کاهش دفعات تشنج در بیماران مبتلا به صرع با یک محرک شنیداری دیگر مقایسه شد. محققان در این مطالعه جدید که یک سال طول کشید، ۱۳ بیمار را مورد بررسی قرار دادند.

زین قند پارسی

باوجود این باین‌وجود

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

«باین‌وجود» تعبیری نادرست است و کاربردی عامیانه و گفتاری دارد و به قیاس «باین‌همه» و «باین‌حال» ساخته شده است.

تصاویر، زیبایی خاصی به کتاب داده است، باین وجود به فروش آن کمک نکرد. ✗

تصاویر، زیبایی خاصی به کتاب داده است، باوجود این به فروش آن کمک نکرد. ✓

#زین_قند_پارسی

تاریخ‌نگار

۱۲ مرداد ۱۳۹۲

درگذشت پیر نقالی ایران

رضا سلیمان‌نوری

نقل و نقالی یکی از هنرهای قدیمی ایران زمین است که هرچند با رواج رسانه‌های نوین، خاصه سینما و تلویزیون از اهمیت آن کاسته شده، هنوز هستند مردمانی که دل در گرو آن دارند. برای این مردمان روزی چون ۱۲ مرداد ۱۳۹۲ شمسی از آن روزهاست که در اصطلاح خون گریه کردند؛ زیرا در این تاریخ، مرشد ولی‌ا... ترابی سفیدآبی، یکی از برترین نقالان معاصر، پس از ماه‌ها مبارزه با سرطان، پرده نقالی و منتشا را تنها گذاشت و خود به دیدار مولایش علی(ع) رفت. درک این اندوه آن‌گاه برای همگان مفهوم پیدا می‌کند که بدانیم مرشد ترابی از آن دست نقالانی بود که به‌دلیل تسلطش به هنرهایی چون تعزیه‌خوانی و شاهنامه‌خوانی، شیوه‌ای خاص و ویژه برای نقالی داشت؛ شیوه‌ای که با استفاده از آن نه‌تنها هم نقل حماسی می‌گفت و هم نقل مذهبی، بلکه آن‌قدر در اجرای نقل توانا بود که با روش او می‌شد همه قصه‌های عالم را طوری نقل کرد که برای مخاطب هر دوره‌ای جذاب باشد. یکی از دلایل این امر، همانا تسلط ویژه او به طومارنویسی بود. مرشد ترابی طومارهایی چند برای اجرای نقل‌های مختلف خاصه شاهنامه‌خوانی و مولاخوانی داشت که اکنون در کنار چند فیلمی که سال‌های آخر زندگی وی برای حفظ هنرش تهیه شد، یگانه یادگارهای باقی‌مانده از سبک خاص هنری او محسوب می‌شوند.